

بسم الله الرحمن الرحيم

تاریخ : 1386/11/21

حي علي خير العمل، مظهر دعوت به ولايت ائمه عليهم السلام :

بحث امروز در اين مورد است که حي علي خير العمل، در حقيقت دعوتي بود به ولايت ائمه عصمت و طهارت عليهم السلام و هيئت حاکمه تلاش مي کرد که هر آنچه از مظاهر ولايت است و اشاره يا کنايه به ولايت دارد را، حتي المقدور در جامعه مطرح نشود. در روايات اهل بيت عليهم السلام نکاتي را مي بينيم که صراحت دارد بر اين که حذف حي علي خير العمل، با انگيزه مخالفت با ولايت اهل بيت عليهم السلام بوده.

شيخ صدوق در علل الشرايع و در عيون اخبار الرضا از آن حضرت روايت مي کند که در مورد اذان از حضرت سؤال کردند:

فأخبرني عن الأذان لم أمروا؟ قال لعل كثيرة؛ منها: أن يكون تذكيرا للساهي و تنبيها للغافل و تعريفا لمن جهل الوقت؛... فجعل النداء إلي الصلاة في وسط الأذان؛ فقدم قبلها أربعا التكبيرتين و الشهادتين و آخر بعدها أربعا، يدعو إلي الفلاح، ثم دعا إلي خير العمل مرغبا فيها و في عملها و في أداها؛ ثم نادى بالتكبير و التهليل ليتم بعدها أربعا.

از اذان براي ما بگو که فلسفه تشريع اذان چه بوده؟ گفت: علل زيادي دارد و يکي از آنها ياد آوري افراد بي توجه است، تا تنبهي باشد براي غفلت ورزان، آگاهي باشد براي کسانی که وقت نماز را نمي شناسند... دعوت به نماز در وسط اذان قرار گرفته است، قبل از حي علي الصلاة، دو تکبير و دو شهادتين آمده و بعد از آن هم چهار مورد آمده (تکبيرين و شهادتين)، حي علي الفلاح در اذان دعوت مي کند به نماز براي رستگاري؛ دعوت مي کند مردم را به خير العمل، در

حالی که مردم را ترغیب می کند به عمل به آن و اداء آن خیر العمل؛ در آخرش هم دو تکبیر و دو تهلیل دارد تا کامل شود.

علل الشرائع، شیخ الصدوق، ج 1، ص 258 - عیون اخبار الرضا (علیه السلام)، ج 2، ص 103.

در اینجا، امام رضا علیه السلام فلسفه یا حکمت ظاهری اذان را مطرح می کند و این که چرا اذان تشریح شده، با توجه به ظاهر قضایا و برداشت عموم مردم، این را می گوید. اما از آنجائی که در اسلام هر چیزی، هم ظاهر دارد و هم باطن، همان طور که در روایات اهل سنت آمده، هیچ یک از آیات قرآن نیست مگر آن که : **له ظاهر و باطن** و در بعضی از روایات است که: **و لكل آية باطن و لباطنه باطن حتی سبعین بطناً**، تا هفتاد بطن و معنا برای هر یک از آیات وجود دارد. در روایات شیعه هم از این گونه روایات به وفور یافت می شود. خود سیوطی در کتاب الإیتقان چندین روایت دارد در این زمینه که هر یک از آیات قرآن دارای ظاهر و باطنی است **و لا یمشهُ إِلَّا الْمُطَهَّرُونَ (سوره واقعه، آیه 79)** شاید معنایش این باشد که آن باطن و حقیقت احکام و آیات را جز پاکان، نمی توانند درک کنند و مراد از مطهرون هم کسانی هستند که در آیه 33 احزاب، خدای عالم بر طهارت آنها شهادت داده است:

إِنَّمَا يَرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا.

خداوند فقط می خواهد پلیدی و گناه را از شما اهل بیت دور کند و کاملاً شما را پاک سازد.

سوره احزاب (33)، آیه 33.

این کاملاً مشخص و روشن است و همچنین در رابطه با:

فَأَسْأَلُوا أَهْلَ الذِّكْرِ إِنْ كُنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ

اگر نمی دانید، از آگاهان بپرسید.

سوره نحل (66)، آیه 43.

مراد از اهل ذکر که حقائق را می دانند، اهل بیت علیهم السلام هستند.

آن کسانی که تأویلات قرآن را می دانند:

وَمَا يَعْلَمُ تَأْوِيلَهُ إِلَّا اللَّهُ وَ الرَّاٰسِخُوْنَ فِي الْعِلْمِ

در حالی که تفسیر آنها را، جز خدا و راسخان در علم، نمی دانند.

سوره آل عمران (3)، آیه 7.

راسخون در علم، اهل بیت علیهم السلام هستند.

امیرالمؤمنین علیه السلام در نهج البلاغه هم می فرماید:

دروغ می گویند غیر از ما، کسانی که ادعا می کنند ما راسخ در علم هستیم و تأویل در قرآن را می دانیم.

حي علي خير العمل يعني نيکي به حضرت فاطمه(س) و فرزندان او :

لذا ما هم نسبت به نماز و حج و زکات و اذان، می گوئیم که هر کدام ظاهر و باطنی دارد.

در رابطه با این قضیه روایتی از امام باقر علیه السلام هست که می گوید:

عن محمد بن مروان عن أبي جعفر عليه السلام، قال: أتدري ما تفسير حي علي خير العمل؟ قال: قلت لا، قال: دعاك إلي البرّ، أتدري برُّ من؟ قلت: لا، قال: دعاك إلي برُّ فاطمة و ولدها (عليهم السلام).

ای محمد! آیا می دانی تفسیر حی علی خیر العمل چیست؟ گفتم: نه، گفت: دعوتی است به سوی نیکی و برّ، آیا می دانی مراد از برّ، نیکی بر چه کسانی است؟ گفتم: نه، گفت دعوت به نیکی حضرت فاطمه زهراء سلام الله علیها و فرزندان حضرت فاطمه زهراء (سلام الله علیها).

علل الشرائع، شیخ صدوق، ج 2، ص 368 - معانی الأخبار، شیخ صدوق، ص 42 - بحار الأنوار، ج 81، ص 141.

آقای حافظ علوی که قبلاً هم عرض شد مورد وثوق اهل سنت است، ایشان هم به سند خودش از محمد بن مروان نقل می کند:

سئله رجل عن تفسير الأذان، قال: الله أكبر، قال فهو كما قال الله، أكبر من كل شيء... أما قوله حي علي خير العمل، قال: فأمرك بالبرّ، تدري برُّ من؟ قال الرجل: لا، قال: برُّ فاطمة و ولدها.

می گوید: روزی خدمت امام باقر علیه السلام بودم و از او راجع به تفسیر اذان پرسیده شد؟ گفت: الله اکبر! خداوند بزرگتر از هر چیز است... وقتی رسید به حی علی خیر العمل، گفت: امر کرد خداوند تو را به نیکی، آیا می دانی نیکی بر چه کسی؟ مرد گفت: نه، گفت: بر حضرت فاطمه زهراء سلام الله علیها و فرزندان.

الأذان بحی علی خیر العمل با تحقیق محمد عزان، ص 135.

بهترین عمل، ولایت اهل بیت علیهم السلام است :

در روایتی که در توحید شیخ صدوق است و از امام صادق علیه السلام نقل شده، می گوید:

سئل عن الصادق عن معنا خیر العمل، قال: خیر العمل الولاية.

از امام صادق علیه السلام سؤال کردند معنای خیر العمل چیست؟ گفت: بهترین عمل، ولایت اهل بیت علیهم السلام است.

توحید صدوق، ص 241 - بحار الأنوار، ج 81، ص 134.

امام کاظم علیه السلام روایتی زیبا و روشن و واضح دارد که می گوید:

عن محمد بن أبي عمير أنه سئل أبا الحسن الكاظم عن حي علي خیر العمل، لم تركت من الأذان؟ قال تريد العلة الظاهرة أو الباطنة؟ قلت: أريدهما جميعا، فقال: أما العلة الظاهرة: فلئلا يدع الناس الجهاد اتكالا علي الصلاة و أما الباطنة: فإن خیر العمل: الولاية، فأراد من أمر بترك حي علي خیر العمل من الأذان أن لا يقع حث عليها و دعاء إليها.

از امام کاظم علیه السلام سؤال شد، چرا حی علی خیر العمل از اذان حذف شد؟ گفت علت ظاهری را اراده کردی (که آنها به مردم گفتند و بهانه آوردند) یا باطنی و واقعی را (که هدفشان آن بود)؟ عرض کرد: هر دو را می خواهم بدانم، امام فرمود: علت ظاهری این بود که امر شد حی علی خیر العمل را نگویند چون اگر بهترین عمل نماز باشد، مردم مشغول به نماز می شوند و از جهاد می مانند؛ اما علت باطنی و واقعی این است که خیر العمل، ولایت اهل بیت (علیهم السلام) است، و اراده کردند به امر به ترک حی علی خیر العمل، برای این که مردم به طرف ولایت اهل بیت (علیهم السلام) تحریک و تشویق نشوند و دعوت نشوند به سمت اهل بیت (علیهم السلام).

علل الشرايع، ص 368، علت 89 - وسائل الشيعة، ج 5، ص 420 - بحار الأنوار، ج 81، ص 140.

خيلي عجيب است؛ رسول اکرم صلي الله عليه و آله و سلم از اولين لحظه بعثت خود تا آخرين لحظه که در بستر بيماري افتاده، به ولايت علي عليه السلام و اهل بيت عليهم السلام تأکيد و ترغيب و تشويق دارد، ولي با کمال تأسف، شد آنچه که نبايد مي شد و مي بينيم آتشي که که در سقيفه روشن شد، بعد از 15 قرن، هنوز دودش به چشم مسلمانان مي رود.

اين چند حديث که گفته شد، براي روشن شدن معنای خير العمل بود و اهل بيت عليهم السلام معنای واقعي را براي افراد و صحابه خصوصي مثل ابن ابي عمير ذکر کردند نه براي عموم مردم. (وقتي حکومت وقت، ابن ابي عمير را دستگير کرد، بعد از شکنجه فراوان، از او خواستند که نام ياران امام کاظم عليه السلام را بيان کند تا آنها را هم دستگير کنند، ايشان يك مورد را هم نگفت و بعد از اين که او را دستگير کردند، خواهر او تمام کتاب هاي او را از ترس مأمورين حکومتي که مبادا اسرار به دست آنها بيفتد، زير خاک دفن کرد و باران همه آن کتاب ها و آثار را از بين برد و بعد از آن ابن ابي عمير، غالبا روايات را به صورت مرسل نقل مي کند؛ چون مضمون روايات در ذهن او بوده، ولي سند را فراموش کرده بود).

نکته اي که در اینجا هست اين است که: چه ارتباطي هست بين نماز و ولايت؟ حي علي خير العمل چگونه مي تواند دعوت به ولايت اهل بيت عليهم السلام باشد؟

روايات زيادي هست در اول کتاب وسائل الشيعة در اين مورد و امام باقر عليه السلام مي فرمايد:

بني الإسلام علي خمس: الصلاة و الصوم و الزكاة و الحج و الولاية؛ و لم يناد بشئ كما نودي بالولاية.

اسلام بر پنج رکن بنا گردیده است: نماز و روزه و زکات و حج و ولایت اهل بیت؛ و به چیزی همچون فرا خوانده نشده است.

وسائل الشیعه، شیخ حر عاملی، ج 1، ص 18.

و در میان این پنج رکن، هیچکدام، آن اهمیت ولایت را ندارد؛ چون آنچه که می تواند نماز را نماز کند و وسیله معراج مؤمن و تقرب شود، اهل بیت علیهم السلام است. روایات متعددی داریم که اهل بیت علیهم السلام می فرمایند: **بنا عِبَدَ الله**: از کانال ما، عبادت خدا انجام می شود (**توحید صدوق، ص 152 - کافی، ج 1، ص 145**). یا این که می فرماید: **مَنْ أَرَادَ الله، بَدَأَ بَكُم**: هر کس که خدا را اراده کند، باید از شما آغاز کند (**زیارت جامعه کبیره**). با رهنمود ائمه علیهم السلام و ثقل اصغر است که می توان فهمید، نماز و روزه صحیح چگونه است، زکات و حج صحیح، چگونه است. در عبادت اهل سنت، از همین وضوء که شروع می کنند (شستن پا) تا آخر نماز، بدعت های خلفاء راشدین شروع می شود. غالب فقهای اهل سنت می گویند که بسم الله الرحمن الرحیم گفتن در نماز واجب نیست، در قرآن هم که 114 بسم الله الرحمن الرحیم آمده، لازم نیست و جزء قرآن نیست، آن وقت ما را متهم به تحریف قرآن می کنند. شما یک مورد را پیدا کنید که رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم در نماز قنوت نگرفته باشد، اهل سنت قنوت در نماز ندارند؛ چرا؟ چون نبی مکرم صلی الله علیه و آله و سلم در قنوت نفرین می کرد آن دسته از قریش را که زمینه ساز جنگ علیه اسلام و هدفشان نابودی اسلام بود؛ امیرالمؤمنین علیه السلام در قنوت معاویه و عمرو عاص و... را لعن می کرد. به تعبیر یکی از بزرگان، اهل سنت برای انتقام از نبی مکرم صلی الله علیه و آله و سلم و برای این که محل نفرین به اعداء اهل بیت علیهم السلام کننده شود، آمدند اصل قنوت را زیر سؤال بردند. همچنین است رکوع و سجود و تشهد و سلام خودشان. البته در سایر مواردشان هم همین گونه است.

البته اهل سنت این روایت را این گونه آورده اند:

قال رسول الله صلى الله عليه وسلم بُني الإسلامُ علي خمسٍ شَهَادَةِ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَأَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ وَإِقَامِ

الصَّلَاةِ وَإِيتَاءِ الزَّكَاةِ وَحَجِّ الْبَيْتِ وَصَوْمِ رَمَضَانَ

اسلام بر پنج رکن بنا گردیده است: شهادت بر وحدانیت خداوند و رسالت پیامبر و نماز و زکات و حج و زکات.

صحیح مسلم، ج 1، ص 1، اسم المؤلف: مسلم بن الحجاج أبو الحسين القشيري النيسابوري، الوفاة: 261، دار النشر:

دار إحياء التراث العربي - بيروت، تحقيق: محمد فؤاد عبد الباقي - سنن كبري بيهقي، ج 4، ص 81 - معجم الاوسط

طبراني، ج 6، ص 230.

يعني به جاي كلمه ولايت، شهادتين را آورده اند. اينها ما را مسخره مي کنند و مي گویند شهادتين را کنار گذاشته اند

و به جاي آن ولايت اهل بيت عليهم السلام را اضافه کرده اند. حال آن که خود اين روايت داد مي زند که ساختگي

است. وقتي مي گوید: **بني الإسلام علي خمس** يعني آن اسلامي که مبنایش شهادتين است. رسول اکرم صلي الله

عليه و آله و سلم فرمود که به من دستور رسیده که با مردم بجنگم تا آن که بگویند: لا إله إلا الله و أني رسول الله.

پس اين اسلامي که تشكيل شده از شهادتين است، بني علي خمس. لذا آوردن شهادتين در حديث، مصادره به

مطلوب است و اسلامي که از شهادتين تأليف شده، مبتني بر شهادتين است و توقف شع علي شع لازم مي آيد.